دیار

زنبورداران از داروهای متفرقه برای درمان زنبورها استفاده نکنند

معاون وزیر جهاد کشاورزی با بیان این که احتمالا تولید عسل طی سال جاری با کاهش همراه است، گفت: زنبورداران از داروهای متفرقه برای درمان زنبورها استفاده نکنند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی، دکتر حسن رکنی درمورد استفاده زنبورداران از داروهای قاچاق و آسیب زنبورها اظهار داشت: هر زمانی که دقت‌نظر اعمال نشود، ممکن است به موجود زنده آسیب برسد. در این میان، طبیعتا مراکز مجاز برای عرضه دارو وجود دارد و تنها ارزانی محصول ملاک استفاده از آنها نیست.

معاون وزیر در امور تولیدات دامی بیان کرد: معمولا مواردی از این قبیل برای افرادی که پرورش‌دهنده باتجربه‌ای هستند، کمتر پیش می‌آید.

وی با تأکید بر این که به زنبورداران توصیه نمی‌کنیم از داروهای متفرقه استفاده کنند، گفت: اگر تأمین دارو از جای مطمئنی صورت بگیرد، مشکلی پیش نخواهد آمد.

دکتر رکنی با بیان این که ما داروهای بسیاری در داخل کشور داریم، افزود: درحال‌حاضر بسیاری از شرکت‌های دارویی حتی در بخش داروهای گیاهی فعال شدند و فرآورده‌های دارویی خوبی در این زمینه حاصل شده، گستردگی زیادی هم دارند و این داروها می‌توانند به طرق مختلف در اختیار تولیدکنندگان قرار بگیرند. معاون وزیر جهاد کشاورزی درمورد میزان تولید عسل طی سال جاری نیز اظهار داشت: این امر درحال‌حاضر اصلا قابل جمع‌بندی نیست و ما نمی‌توانیم درمورد آمار سال جاری اظهارنظر کنیم اما با توجه به این که عسل نیز مانند سایر محصولات بخش کشاورزی تابعی از طبیعت، شرایط بارندگی و آب‌وهوایی است، احتمال می‌رود امسال به‌دلیل این که با خشکسالی بیشتری نسبت به سال‌های گذشته مواجه بودیم، آسیب‌هایی در این زمینه وجود داشته باشد.

دکتر رکنی با بیان این که در استان‌های فارس، خوزستان، همدان و لرستان آمارگیری مقدماتی به‌صورت موردی (در تعدادی از واحدها) انجام شده است، گفت: در این آمارگیری مقدماتی و موردی، کاهش تولیدی مشاهده نشد اما احتمالا در کل تولید کشور ما با کاهش مواجه خواهیم بود ضمن این که اظهارنظر قطعی زمانی ممکن خواهد بود که سال جاری را طی و بحث آمار را کامل کنیم.

وی میزان تولید عسل طی سال گذشته را حدود ۷۴ هزار تن و بیشتر از سال ۹۱ عنوان کرد و اظهار داشت: هم‌اکنون شرایط تولیدمان به‌گونه‌ای است که زنبورداران نیز فعالیت‌های گسترده‌ای دارند، آموزش‌های جدید می‌بینند، سعی دارند از ملکه‌های بهتری استفاده کنند و... بنابراین خود آنان نیز تلاش می‌کنند که استحصال عسل فراوان‌تری داشته باشند.

روش‌های مقابله با سرمازدگی در مزارع گوجه‌فرنگی در بستک

مدیر جهاد کشاورزی شهرستان بستک از پوشاندن گوجه‌فرنگی با توری جهت جلوگیری از سرمازدگی این محصول در این شهرستان خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان، عباس مویدی با اشاره به راهکارهایی جهت جلوگیری از سرمازدگی گوجه‌فرنگی، افزود: سطح زیر کشت گوجه‌فرنگی کشاورزان شهرستان بستک ۶۵۰ هکتار است که با توجه به اقلیم شهرستان و سرمازدگی در ماه‌های دی و بهمن، خسارت فراوانی به مزارع کشاورزی وارد می‌کند.

وی ضمن تأکید به بهره‌برداران که در مناطق سردتر شهرستان اقدام به کشت می‌کنند، عنوان کرد: جهت جلوگیری یا کاهش این خسارت با کمک راهکارهای فنی جدید و استفاده از نظرات کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان به‌مدتی که احتمال کاهش دما و سرمازدگی وجود دارد، از پوشاندن توری روی بوته‌های گوجه‌فرنگی و آبیاری شبانه (در زمان اوج سرما) استفاده کنند تا گیاه و محصول آن دچار سرمازدگی نشود.

خشکسالی، عشایر و دامداران شهرستان پارسیان را تهدید می‌کند

یعقوب دلدار با اشاره به این که عشایر پارسیان با توجه به خشکسالی، نبود علوفه، چراگاه مناسب، کمبود شدید آب و خشک‌شدن ذخیره‌گاه آبی که همان آب انبارها هستند با مشکلات فراوانی مواجهند، ابراز داشت: برای حمایت از دامداران تاکنون چند تن سبوس با قیمت مناسب بین دامداران توزیع شده که این امر تاحدودی مشکل کمبود علوفه را جبران کرده است.

به گزارش روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان، وی با بیان این که پارسیان دارای ۳۷ هزار و ۵۰۰ رأس دام است که از این تعداد ۲ هزار و ۲۰۰ رأس دام سنگین و ۳۵ هزار رأس دام سبک است، افزود: از این تعداد رأس دام سبک ۵ هزار رأس آن توسط عشایر به‌وسیله ۴۵ خانوار عشایری پرورش داده می‌شود.

وی همچنین افزود: این عشایر در کوه‌های سرکوه‌شنبه، لاورجت و کناردان سکنی گزیده‌اند.

تداوم نسل آموزگاران دلسوز

ماه عسل معلم «ریگانی» در بیمارستان

گزارش از نجمه حسنی | خبر قطعی شدن نوبت دکتر دانش‌آموزم مسیر ماه عسل من و همسرم را به سوی بیمارستان مرکز طبی کودکان تهران تغییر داد و حلاوت بهبودیش را تا ابد در لحظه لحظه این سفر به ودیعه گذاشت.

تازه ازدواج کرده بودم؛ درست سال قبل از ازدواجم لطف خدا شامل حالم شد و من که همیشه آرزوی معلم شدن را در سر می‌پروراندم حالا در استخدام آموزش و پرورش بودم.

درست به‌خاطر دارم روز اول ورودم به مدرسه را؛ زمانی که سرشار از شعف و غرور شهر بم را به قصد تدریس در یکی از مدارس منطقه محروم ریگان ترک کردم آن روز همه‌چیز به چشمم زیبا بود احساس می‌کردم زندگی برایم زیباتر شده!

صبح اولین روز ماه مهر، مدرسه ۲۲ بهمن روستای میرآباد ریگان را به خاطر دارم، انگار بچه‌ها نیز در شادی من شریک بودند فکر می‌کردم هیچ چیز نمی‌تواند شادیم را بر هم بزند، برای نخستین مرتبه وارد کلاس درس شدم کلاسی که متعلق به من و دانش‌آموزان بود.

با وجود این که تحصیلاتم در رشته کامپیوتر بود به دلیل کمبود نیرو بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی در مقطع دبستان کارم را آغاز کردم. اولین ساعت‌های حضورم را در کلاس هرگز فراموش نمی‌کنم، احساس می‌کردم خدا لطف بزرگی به من داشته و آرزویم را برآورده کرده است.

پهلوی تخته سیاه و رنگ و رو رفته کلاس ایستادم و خودم را رو به بچه‌ها با نام «احسان موسوی» معرفی کردم و بعد از دانش‌آموزان خواستم کنار تخته سیاه بیایند، خودشان را معرفی کنند و اندکی از تصمیم‌های آینده و آرزوهایشان بگویند تا بهتر با آنان آشنا شوم.

بچه‌ها به نوبت می‌آمدند و خودشان را معرفی می‌کردند تا این که نوبت به یکی از دانش‌آموزان رسید که از اول ورودم به کلاس سعی می‌کرد خود را پشت سر نفر جلویی‌اش پنهان کند.

با اندکی تأخیر از جایش بلند شد و از پشت نیمکتش بیرون آمد، در اولین قدمش به سمت تخته سیاه متوجه مشکلی در پای چپش شدم، پسرک پای چپش را که بسیار لاغر و نحیف بود به وسیله سرانگشتانش با خود می‌کشید.

بعد از اندکی به تخته سیاه رسید و نگاهی به من کرد. رو به دانش‌آموز گفتم، اسمت چیه پسرم؟ پسرک گفت: آقا اجازه! «یعقوب سابکی»، از او پرسیدم چرا درس خواندن و مدرسه آمدن را انتخاب کردی؟ یعقوب جواب داد می‌خواهم درس بخوانم و دکتر بشوم تا مریض‌ها را درمان کنم. از او پرسیدم چه آرزویی داری؟ یعقوب سرش را پایین انداخت درحالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود گفت: آقا اجازه! آرزوم اینه که پام خوب بشه و دیگه درد نکنه!

این جمله تکانم داد، به خودم اجازه دادم از او بپرسم که چه بلایی به سرش آمده؟!

نگاه معصوم یعقوب حرف‌های زیادی از محرومیت و فقر داشت درحالی که ناخن‌هایش را می‌جوید گفت: آقا اجازه بچه که بودم روی برف و یخ سر خوردم و پام فلج شد.

از یعقوب پرسیدم دکتر نرفتی؟ یعقوب گفت: مادرم میگه بیتال (شکسته‌بند محلی) پاتو بسته ولی خوب نشده و چون تا شهر راه زیادی بوده نتونستن منو به دکتر ببرن.

اون روز خیلی دلم شکست، همش به این فکر بودم که چطور آدما می‌تونن از حال هم غافل باشن، بسم‌اللهی گفتم و فردای اون روز از مدیر مدرسه جویای احوال یعقوب شدم. تصمیم خودم رو گرفته بودم، نمی‌توانستم در مورد مسائلی این چنین بی‌تفاوت باشم، باید به او کمک می‌کردم. چندی بعد با همراهی مدیر مدرسه به خانه یعقوب رفتیم. کلبه‌ای فقیرانه که یعقوب، برادر و مادرش را در خود جای داده بود، اندکی وسایل مورد نیاز زندگی دور آن خودنمایی می‌کرد، بعد از سلام و احوالپرسی متوجه لهجه مادر یعقوب شدم، چیزی از صحبت‌هایش را متوجه نمی‌شدم. مدیر مدرسه صحبت‌های مادر یعقوب را برایم ترجمه می‌کرد از مدیر مدرسه خواستم از مادر یعقوب بپرسد چگونه پای فرزندش به این روز افتاده است؟

مادر یعقوب برای مدیر مدرسه توضیح داد و بعد از صحبت‌های مدیر مدرسه متوجه شدم بعد از زمین خوردن یعقوب، بیتال (شکسته‌بندهای محلی) پای یعقوب را معاینه می‌کند و ماساژ می‌دهد و به حساب علم خود جا می‌اندازد و پایش را با چسب محکم می‌بندد و می‌گوید ۴۰ روز باید بسته باشد.

یعقوب درد زیادی را متحمل می‌شود و این درد تأثیر عصبی بدی بر ذهن او باقی می‌گذارد.

بعد از آن یعقوب از پای چپش نمی‌تواند استفاده کند و هر روز و هر لحظه از درد پایش می‌نالد؛ این سرنوشت یعقوب بعد از گذشت سه سال است.

یعقوب هر روز از درد پایش شکایت و گلایه می‌کرد و این درد از توجهش به درس می‌کاست. اوضاع زندگی دانش‌آموزم مرا ناراحت می‌کرد و به فکر فرو می‌برد. مادر و برادر یعقوب نیز به سختی بیمار بودند و اوضاع مالیشان نیز اجازه پیگیری درمان او را نمی‌داد.

حالا من که نخستین روزهای زندگی مشترکم را تجربه می‌کردم نمی‌توانستم با دیدن درد و ناراحتی یعقوب شاد باشم، برای همین همسرم را نیز در جریان این مشکل گذاشتم. ناراحتی و درد یعقوب برایم عذاب‌آور بود بر همین اساس تصمیم گرفتم او را به دکتر نشان دهم و راهی برای تسکین دردش پیدا کنم.

بعد از مدتی یعقوب را با اجازه مادرش با خود به بم و کرمان نزد پزشکان متخصص بردم تا او را معاینه کنند.

با این که اوضاع مالی خوبی نداشتم ولی عزمم را برای درمان یعقوب جزم کرده و از خدا خواسته بودم در این مسیر کمک کند. حضور موسسه خیریه زنجیره امید که از طریق همکارانم متوجه این مشکل شده بود اولین کمک خدا به من برای درمان درد یعقوب بود. این موسسه خیریه اعلام کرد حاضر است به من در این مسیر کمک کند و از من خواست یعقوب را برای معالجه به تهران ببرم و من نیز این کار را کردم.

درست به خاطر دارم ماه اول زندگی مشترکمان بود من و همسرم برای رفتن به ماه عسل آماده می‌شدیم که از مطب یکی از پزشکانی که قرار بود یعقوب را معاینه کند به من زنگ زدند به تهران بروم با این که برنامه سفر را داشتیم بدون تعلل با همسرم به جای ماه عسل به بیمارستان تهران رفتیم و شب را کنار تخت یعقوب سپری کردیم.

در این مدت یعقوب بارها و بارها تحت عمل کشش پا قرار گرفت و هر بار بیشتر از دفعه قبل از درد پایش شکایت می‌کرد؛ دیگر حتی پزشکان نمی‌دانستند چه باید بکنند. هر روز بر درد یعقوب افزوده می‌شد و من نیز با او درد می‌کشیدم! پزشکان در مراحل مختلف تمام آزمایشات لازم را از یعقوب گرفتند اما به نتیجه‌ای نمی‌رسیدند. حالا حدود یک‌سال و نیم از آغاز مداوای یعقوب می‌گذشت و من ۱۵ مرتبه او را برای مداوا به تهران برده ولی نتیجه مطلوبی نگرفته بودم.

با این که هزینه‌های سفر به تهران برایم سنگین بود ولی با توسل به خدا و کمک سایران و موسسه خیریه زنجیره امید از پس آن بر می‌آمدم.

بعد از مدتی یعقوب را با معرفی یکی از دوستان نزد یک پزشک متخصص کودکان بردم و او با توجه به نتیجه آزمایشات مشکل یعقوب را روحی تشخیص داد و از آن به بعد با کمک یکی از دوستان و همکارانم در بم از یک روانپزشک برای ویزیت یعقوب وقت گرفتیم.

روانپزشک بعد از چندین جلسه درمان و انجام اقدامات روانشناسی و ریلکسیشن ایشن توانست ذهنیت احساس درد را از یعقوب دور کند و یعقوب بعد از مدتی دوباره همانند دوران کودکی‌اش شروع به راه رفتن کرد.

حالا یعقوب راه می‌رود اما پای چپش از پای راستش لاغرتر و نحیف‌تر است حتی دست چپش نیز رو به تحلیل رفته بود که در حال حاضر رو به بهبود است.

احسان موسوی معلم فداکاری که از بهترین دوران زندگی‌اش برای سلامتی و شادمانی دانش‌آموز دردمندش بهره برده است می‌گوید برخی رسانه‌ها در مورد این کار من غلو کرده‌اند در حالی که حقیقت این بود که گفتم. با خودم فکر کردم چه احساس خوبی، اینها الطافی است که خداوند فقط به بندگان خاص‌اش عطا می‌کند

موسوی می‌گوید: کاری که در راه خدا انجام بدهیم و هدفمان فقط خدا باشد هزاران برابر در زندگی اثرات مثبت از خود بر جای می‌گذارد.

وی عقیده دارد خدا او را به‌عنوان یک وسیله بر سر راه بنده دردمندش قرار داده است.

احسان موسوی معلم فداکار شاغل در آموزش و پرورش ریگان در نخستین جشنواره جلوه‌های معلمی در تهران و با حضور وزیر آموزش و پرورش و جمعی از مسئولان تجلیل شد.

وی پنج سال سابقه کار در آموزش و پرورش را در کارنامه کاری خود دارد.

موسوی در آزمون استخدامی سال ۸۹ به استخدام اداره کل آموزش و پروش استان کرمان در آمد.

ریگان یکی از چهار شهرستان شرق استان است و تا کرمان ۲۸۵ کیلومتر فاصله دارد.

آهوی مغان؛ خاطره‌ای که زنده شد

۳۴ سال از زمانی که آهوی مغان به‌طور کامل از طبیعت ناپدید شد، سپری می‌شود، این گونه در طول تنها ۹ سال گرفتار زخم‌های بی‌تدبیری و نابودی شد، زخم‌هایی که احیای آن نزدیک به ۱۲ سال به طول انجامید.

به گزارش مهر، آهوی مغان یکی از گونه‌های منحصربه‌فرد آهوی کشور است که طی سال‌ها نشانی از آن در منطقه نبود، گونه‌ای که روزهایی در دستجات چندصدرأسی در مراتع پارس آباد گشت‌وگذار می‌کرد.

اما اکنون سایت تکثیر آهوی مغان محل پرورش و نگهداری یکی از گونه‌های در معرض تهدید منطقه جایی است که بچه آهوها باید با اقدامات امنیتی مختلف از تهدید شکار حفاظت شوند و بتوانند نسل خود را احیا کنند و روزهای شیرین گشت‌وگذار گله‌ای را از نو زنده کنند

زمانی که سایت تکثیر راه‌اندازی شد آهوی مغان به صورت کامل از طبیعت این منطقه حذف شده بود. بر هم خوردن چرخه طبیعی حیات و از دست دادن یک گونه جانوری زیبا از نگرانی‌هایی بود که ضرورت احیای نسل آهوی مغان را تشدید کرد.

درواقع راه به خطا رفته بشر در تهدید یک حیوان بی‌آزار عقبگرد می‌کرد تا آهوی مغان بتواند بار دیگر به آغوش مادر طبیعت بازگردد.

زیبایی بلای جان گونه آهوی مغان

زیبایی مسحورکننده این گونه جانوری به‌حدی بود که شکارچیان را بی‌مهابا دست به شکار می‌برد. در سال ۱۳۵۰ و قبل از آن در دشت مغان آهوی مغان در دستجات چند صد رأسی حیات داشت و بخشی از زیبایی طبیعت این منطقه محسوب می‌شد.

تنها یک‌سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۱ طبق برآوردها و مطالعات صورت گرفته تعداد این گونه جانوری به ۲۵۰ رأس تقلیل پیدا کرد.

وسوسه شکار و تخریب طبیعت زیست این جانور را دچار اختلال کرده بود. سیر نزولی کاهش تعداد این گونه با توسعه کشاورزی مکانیزه در منطقه و تخریب زیستگاه آهو سرعت دو چندان گرفت. در آن مقطع برخی حامیان محیط‌زیست خطر انقراض این گونه را هشدار داده بودند و کاهش تعداد گونه‌های این جانور را در سایه بی‌توجهی‌ها شاهد بودند.

آهوی مغان به خاطره‌ای دور در ذهن کهنسالان تبدیل شد

با این وجود گوش هیچ نهاد متولی به حرف‌های دلسوزان محیط‌زیست جلب نشد تا این که در اواخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ تعداد آهوی مغان به ۲۵ رأس کاهش یافت.

یک گونه جانوری آن هم به دست انسان از بین می‌رفت و به نظر می‌رسید این موضوع حتی تعجب مسئولی را برنینگیخته است. نهایتا در سال ۱۳۵۹ آهواز عرصه زیستی مغان حذف شد و پهنه وسیع دشت مغان یکی از زیباترین مواریث طبیعی خود را از دست داد.

گذر سال‌ها تاکیدات و نگرانی دوستداران طبیعت آهوی مغان را در اذهان کمرنگ ساخت. آهوی مغان به خاطره‌ای دور در ذهن کهنسالان تبدیل شد و تا سال‌ها یادی از این گونه بی‌آزار به میان نیامد.

آغاز طرح مطالعاتی احیای نسل آهوی مغان در سال ۸۱

در سال ۱۳۸۱ طرح مطالعاتی جهت احیای نسل آهو در دشت مغان آغاز شد و زمزمه‌هایی از انجام مطالعه برای بازگرداندن آهوی گریز پا در پهنه مغان به گوش رسید.

برای بازگرداندن این گونه باید مکان مناسبی تعریف می‌شد که کاملا با شرایط زیستی آن سازگار باشد. بر همین اساس سایت تکثیر این گونه در زیستگاه «خروسلو» مغان با مساحت ۱۱۰ هزار هکتار احداث شد. در مهرماه سال ۱۳۸۹ طرح رهاسازی آهو در محدوده فنس کشی شده به مساحت ۳۵ هکتار در قشلاق «علم لو» انجام شد و در راستای ثبت منطقه حفاظت شده جهت امکان احیای این گونه در دشت مغان پس از مطالعه، قشلاق «پلاز» به مساحت ۳۵ هزار هکتار طی مصوبه شورایعالی حفاظت محیط زیست به تصویب رسید.

این اتفاق روزنه امیدی بود برای مطالبه دوستداران طبیعت. انتظار می‌رفت سایت تکثیر بتواند به شکل اصولی نسل آهوی مغان را احیا کند و این موضوع نیز اتفاق افتاد. این بار بشریت اشتباه و خطای گذشته خود را اصلاح می‌کرد.

سایت تکثیر مغان خانه جدید این گونه منقرض شده بود تا بتواند بار دیگر با یک آهو و بعد دو آهو صدای آهوی مغان را وصله بادهای روح بخش پهنه مغان سازد و در گوش مادر طبیعت داستان زیبای خلقت را زمزمه کند.

افزایش تعداد آهوی مغان به ۱۵ رأس

به گفته مدیرکل محیط‌زیست استان اردبیل درحال حاضر تعداد آهوی مغان در این سایت به ۱۵ رأس رسیده است.

سیدرضا موسوی با اشاره به دوقلوزایی یکی از آهوان این سایت در سال جاری ادامه داد: این سومین سال متوالی است که شاهد دوقلوزایی آهوان سایت تکثیر و احیای این شهرستان هستیم.

وی با اشاره به تولد اولین بره آهوی مغان با نام «موغانا جیران» طی ۲ سال پیش یادآور شد: این سایت هم‌اکنون برای نگهداری و احیای گونه نادر آهوی مغان بهترین شرایط را دارد.

به گفته مدیرکل محیط‌زیست استان این مکان علاوه‌بر احیای آهوی مغان یکی از جاذبه‌های گردشگری پارس‌آباد به حساب می‌آید و سالانه به‌طور متوسط حدود ۲۰ هزار گردشگر از این مرکز بازدید می‌کنند.

وی وظیفه سازمان محیط‌زیست را احیای زیستگاه‌های گیاهی و جانوری و تقویت ذخایر ژنتیکی عنوان کرد و خواستار توجه ویژه به این سایت شد.

تولد هر آهو به منزله شدت گرفتن روزنه امید احیای کامل این گونه در معرض تهدید است. تهدیدی که همچنان پابرجاست و وسوسه دیروز شکارچیان چندان افول نکرده است.

مدیرکل محیط‌زیست استان اردبیل معتقد است ایجاد پاسگاه محیط بانی و جذب نیرو از ملزومات توسعه این سایت است و ابراز امیدواری می‌کند اعتبارات لازم به این منظور در اختیار محیط‌زیست استان قرار گیرد.

علاوه‌بر این افزایش جمعیت از طریق تکثیر در سایت و انتقال جمعیت جدید از زیستگاهای دشت «سهرین» زنجان یا منطقه حفاظت شده «کاغذکنان» میانه در دستور کار قرار گرفته است. هر چند شکار در این سایت ممنوع بوده و با افراد متخلف برخورد قانونی می‌شود، اما این بار دغدغه دوستداران طبیعت را همگان باید یاری کنند تا آهوی مغان بتواند دوباره در زادگاه خود آزاد و رها و نه در یک سایت محافظت شده به روال عادی حیاتش بازگردد. بازدید از سایت تکثیر آهوی مغان یکی از جاذبه‌های گردشگری شهرستان پارس‌آباد است که می‌تواند فرصتی برای اندیشیدن از جفاهای انسانی بر تن طبیعت باشد. فرصتی برای ممارست در شیوه‌های پاسداشت مواریث طبیعی.

خانه به خانه

دلایل افزایش تکدی‌گری در سمنان

یک کارشناس ارشد علوم تربیتی و مدرس آموزش خانواده با اشاره به وضع تکدی‌گری در استان سمنان گفت: در گذشته تکدی‌گری در استان سمنان به ندرت صورت می‌گرفت اما شوربختانه این پدیده بنا به دلایلی از جمله مهاجرت‌پذیری، رو به گسترش است که باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

علیرضا یوسفی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: تکدی‌گری از منظر علم جامعه‌شناسی نه تنها یک انحراف و معضل اجتماعی بلکه وجود آن بیانگر معضلات خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی نظیر فقر، بی‌سوادی و مهاجرت است. همچنین این معضل اجتماعی به نوعی تشدیدکننده انحرافات و آسیب‌های اجتماعی دیگر نظیر اعتیاد، سرقت و... است. وی اظهار کرد: این پدیده چهره جوامع و محیط‌های مبتلا به خود را به زشتی معرفی کرده و عزت اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند. این کارشناس ارشد علوم تربیتی در پاسخ به این پرسش که عوامل روانی و فردی موثر در ظهور پدیده تکدی‌گری چیست، گفت: پژوهش‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از متکدیان، افراد مبتلا به اختلالات روانی- ذهنی هستند و در بسیاری از موارد نیز این افراد از سوی افراد دیگر به این رفتار ناهنجار اجتماعی گمارده شده و مورد تشویق یا حتی تهدید برای ادامه آن قرار می‌گیرند. یوسفی با بیان این که در برخی موارد متکدی تنها به دلیل عادت و لذتی که از این کار می‌برد گدایی می‌کند، خاطرنشان کرد: افراد متکدی به علت پایین بودن عزت نفس به راحتی برای تأمین نیازهای مادی دست نیاز به سوی افراد دراز کرده و از این راه با کمترین زحمت و بدون احساس خجالت از هزینه کرد آبروی خود، زندگی و امرار معاش می‌کنند. وی تصریح کرد: تکدی‌گری نیز مانند سایر آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان یک بیماری و آسیب جدی در پیکره هر اجتماع، معلول بحران‌ها و شرایط نامطلوب اقتصادی- اجتماعی و در برخی موارد سوءمدیریت‌هاست. یوسفی خاطرنشان کرد: جامعه ما نیز طی دهه‌های گذشته و به‌دلیل شرایط خاص فرهنگی و سیاسی مانند جنگ، تحریم‌ها و هجوم فرهنگی دشمنان از طریق رسانه‌های جدید، متاسفانه در معرض این هجمه‌ها قرار گرفته است.

واگذاری ۲۵۰ واحد مسکونی به نیازمندان سیستان‌وبلوچستان

رئیس هیات‌مدیره بنیاد خیران مسکن‌ساز کشور با اشاره به این که افتتاح ۵ هزار واحد مسکونی در امسال از جمله برنامه‌های این بنیاد بوده است، گفت: تاکنون ۲ هزار واحد افتتاح شد و ۳ هزار واحد دیگر نیز تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد.

به گزارش ایسنا، «درفشین» افزود: این بنیاد امسال در سیستان‌وبلوچستان نیز ۲۲۴ واحد مسکونی تحویل داده است و ۲۵۰ واحد دیگر نیز درسال آینده تحویل نیازمندان می‌شود. وی با اشاره به این که ۱۵۰ شعبه خیران مسکن‌ساز در کشور وجود دارد، گفت: هم‌اکنون ۳ شعبه از این بنیاد در شهرهای زاهدان، چابهار و زابل در حال فعالیت هستند.

رئیس هیأت‌مدیره بنیاد خیران مسکن‌ساز کشور شمار خیران کل سیستان‌وبلوچستان را ۱۵۰۰ نفر عنوان و اظهار کرد: این استان از لحاظ شمار خیران رتبه متوسطی را نسبت به آمار کشوری داراست. درفشین با اشاره به این که ساخت این واحدهای مسکونی برای اشخاصی است که مسکن ندارند یا قدرت خرید مسکن را ندارند، گفت: به علت این که اعتبارات ساخت این مسکن‌ها توسط خیران پرداخت شده است، نمی‌توان آمار دقیقی را برای میزان هزینه‌های صرف‌شده اعلام کرد.

مادران باردار نیازمند در قزوین، سبدغذایی دریافت می‌کنند

کارشناس مسئول تغذیه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی قزوین گفت: اداره بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با همکاری اداره سلامت مادران این وزارتخانه، اقدام به توزیع سبدغذایی به مادران باردار نیازمند کرده است.

عطیه رزازی، کارشناس مسئول تغذیه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: تغذیه در دوران بارداری و باروری سالم، عناصری مهم در ارتقای سلامت و رشد و تکامل کودکان و در نتیجه، سلامت جامعه است و یکی از راه‌های نیل به آنها، شناسایی گروه‌های در معرض خطر و حمایت تغذیه‌ای آنان برای رفع مشکلات سوء تغذیه‌ای است. وی با اشاره به این که این برنامه کشوری از سال ۱۳۸۷ اجرا شده است، افزود: در این مرحله نیز ۶ استان از جمله استان قزوین، تحت پوشش برنامه قرار گرفتند.

رزازی با بیان اینکه، این برنامه قرار است فقط در مناطق روستایی تحت پوشش استان اجرا شود، تصریح کرد: مادران باردار نیازمند دارای شرایط لازم برای دریافت این سبد، وزن مادر زیر ۴۵ کیلوگرم، هموگلوبین زیر ۱۱، پایین بودن نمایه توده مادر و وزن‌گیری نامناسب او در دوران بارداری و چندقلویی است که توسط کارکنان بهداشتی شناسایی و معرفی می‌شوند. وی ادامه داد: مقرر شده است به‌صورت ماهانه، سبدغذایی معادل یک میلیون ریال شامل برنج، ماکارونی، روغن، پنیر، مرغ، خرما، عسل، حبوبات و حلوارده برای یک سال، در اختیار آنان قرار داده شود.